



را مورد بررسی قرار می‌دهد. به گفته تهیه‌کننده، کارشناس در فواصل صحبت‌های زوجین وارد بحث می‌شود تا جزئیات زندگی زوجین برای شنوندگان بررسی و راهکار ارائه شود. در این برنامه دکتر مصطفی فروتن به‌عنوان روان‌شناس حضور دارد و روزهای جمعه ساعت ۲۲ روانه آنتن رادیو سلامت می‌شود.

جنسی است، گرچه تا امروز این موضوع دستمایه ساخت آثار رادیویی و تلویزیونی شده اما رادیو سلامت و برنامه دیوار شیشه‌ای تلاش کرده از زاویه‌ای دیگر به موضوع علل بی‌وفایی بپردازد. در این برنامه صدای کسانی که به آنها بی‌وفایی شده، پخش می‌شود و کارشناس درباره محتوای حرف‌هایشان صحبت می‌کند و موضوع

بررسی علل بی‌وفایی در برنامه دیوار شیشه‌ای

برنامه دیوار شیشه‌ای روزهای جمعه ساعت ۲۲ روانه آنتن رادیو سلامت می‌شود و جمعه این هفته ۲۶ تیر با حضور کارشناسان به موضوع علل بی‌وفایی می‌پردازد. به گزارش روابط عمومی رادیو سلامت، برنامه دیوار شیشه‌ای به تهیه‌کنندگی ملیحه کاظمی تولید می‌شود و یک مستند رادیویی با محوریت علل بی‌وفایی و بهداشت



قدرت کی‌برداری بچه‌ها بالاست

دکتر لیلا سرشار، روان‌شناس کودک و نوجوان: بدون تردید تلویزیون، رسانه اول در کشور است. این رسانه با گستردگی بالا از نظر پخش و مجانی بودن، تقریب همه کودکان و نوجوانان است و به راحتی می‌تواند در تربیت یک کودک از جنوبی‌ترین نقطه کشور تا شمالی‌ترین نقطه آن تأثیر بگذارد. رسانه ملی به دلیل فراگیر بودن و تبعیض ناپذیر بودنش، برد فراوانی دارد و این موضوع بسیار با اهمیت است.

موضوعات متنوعی در زمینه کودک و نوجوان وجود دارد. مقتضیات این گروه سنی و تربیت آنها آنقدر گسترده است که اگر بخواهیم، می‌توانیم تمام برنامه‌های تلویزیون را به آنان اختصاص دهیم؛ اما باید نکته‌ای را ذکر کنم که حائز اهمیت است و برنامه‌سازان ما باید به آن دقت داشته باشند. وقتی کودکی، کاری را در خانه یا اجتماع انجام می‌دهد یا حرفی را می‌زند که جزو آموزش‌های خانواده نیست و به نوعی تعجب خانواده را برمی‌انگیزد، همه کنجکاوی می‌شوند که او این حرف و رفتار را از کجا یاد گرفته است.

کودک با شهامت در پاسخ به این سؤال که این موضوع را از کجا شنیده یا این کار را از کجا یاد گرفته است، می‌گوید: فلان عمو یا فلان خاله در تلویزیون این حرف را زد یا این کار کرد. موضوعی که بسیار حائز اهمیت است. قدرت کی‌برداری کودکان بالاست. آنها هر چیزی را که ببینند یا بشنوند، کی‌ی و از آن استفاده می‌کنند. بنابراین اگر بخواهیم با این رویکرد به برنامه‌های تولیدی سیما نگاه کنیم، متوجه می‌شویم تعداد خاله‌ها و عموهای تلویزیون زیاد است. از سوی دیگر باید آنها به گونه‌ای رفتار کنند تا برای بچه‌ها الگوسازی‌کننده البته این اتفاق تا امروز کم و بیش افتاده است. اما فراموش نکنیم بچه‌ها این را در ذهن‌شان می‌سازند که تمام آدم‌های کوچه و خیابان، خاله‌ها و عموهای آنها هستند و قابل اعتمادند. گرچه خاله‌ها و عموهای تلویزیونی مطمئن هستند و بچه‌ها می‌توانند اعتماد کنند اما افزایش بی‌رویه

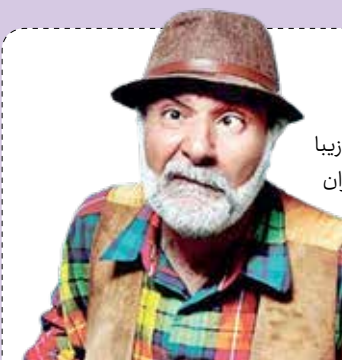
آنها در تلویزیون چنین مبحثی را در ذهن بچه‌ها شکل

می‌دهد و بعد بچه‌ها در جامعه ناخودآگاه

به آدم‌های غریبه اعتماد می‌کنند و همین منجر به اتفاقات ناگوار می‌شود.

کافی است صفحات حوادث نشریات را مطالعه کنید تا متوجه می‌شوید طرف با نام خاله و عمو جلو آمده و بعد به بچه تعرض کرده است. بنابراین باید در ساخت برنامه‌های کودک توجه زیادی شود و کارشناسی شده عمل کنیم. در ضمن باید به سراغ شیوه‌های جدید و ابتکارات حرکت کنیم که متناسب با سلیقه بچه‌های امروز جامعه باشد. ابتدا حضور عموها و خاله‌های تلویزیون جالب بود، اما با گذشت سال‌ها تعدادشان به صورت تصاعدی بالا رفت و از جایی غیر از خاله و عمو، دایی و... هم اضافه شد. این اتفاق به خودی خود بد نیست، اما باید همان‌طور که تأکید کردم مراقب باشیم تا به اتفاقات ناراحت‌کننده ختم نشود.

۷۰ وارد صداوسیما شد و اواخر این دهه یشه به شهرت رساند. او با طرحی تازه از یورنگ گرفت؛ نامی که به گفته خودش در های تلویزیونی هم نیست و این اسم را همپورنگ، کتابخانه عموپورنگ و عیدانه ه‌است پس فقط انتخابی از طرف بچه‌ها وان او را پررنگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین سبک اجرا و ترانه خوانی هایش او را از عمو به بسیاری را برای ادامه دادن چنین راهی ام عمو در تلویزیون را به دنبال داشت.



سائه مطالبه کرد و باید در خانواده‌ها هم در این زمینه رسانه‌ها و حتی بیان صریح ان می‌تواند سودمند باشد.

سارا روستاپور از دغدغه‌هایش می‌گوید:

خاله‌ها و عموها اشتباه بودند

سارا روستاپور با برنامه رنگین‌کمان شبکه پنج شد خاله سارای بچه‌ها، مهربانی او در برنامه، بچه‌ها را جذب خودش کرد و تا سال‌ها به عنوان خاله سارا مطرح بود. بچه‌های زیادی در برنامه او حضور داشتند که حالا دانشجو هستند. او در سال‌های اخیر به سمت برنامه‌سازی حرکت و برای شبکه کودک برنامه‌های متنوع و پرمخاطبی را تولید کرده است. در حال حاضر تهیه‌کننده برنامه مدرسه تلویزیونی است و در کنارش گاهی هم اجرا می‌کند. او درباره خاله‌ها و عموهای تلویزیون این‌طور می‌گوید:

حضور عموها و خاله‌ها در تلویزیون، موافقان و مخالفان زیادی دارد. برخی روان‌شناسان معتقدند از دام خاله‌ها و عموها باعث شده بچه‌ها در ذهن‌شان همه‌را خاله و عمو ی خود بدانند و به این خاطر آسیب دیده‌اند. شما نظرتان چیست؟

اتفاقا این مبحث بارها در شبکه کودک مورد توجه و بررسی قرار گرفت و بعد از صحبت با کارشناسان قرار شد ما در این شبکه به هیچ وجه عمو و خاله نداشته باشیم. من با صحبت شما موافق هستم. به نظر من نام خاله و عمو اشتباه بود. در مقطعی تعداد خاله‌ها و عموها زیاد شدند و حتی برنامه‌ها مرتب از هم الگویی گرفتند و نام مجریان، خاله و عمو شد. گرچه خاله و عموهای تلویزیون کاملاً امین و مطمئن هستند و صلاح بچه‌ها را می‌خواهند، اما ناخودآگاه این موضوع در ذهن بچه‌ها شکل گرفت که افراد غریبه خاله و عمو هستند و همین موضوع به بچه‌ها می‌تواند آسیب برزد.

پس به این علت شما در برنامه

مجید قناد، اولین عمو ی تلویزیون:

کارشناسی شده، عمو شدم

مجید قناد، چهره شناخته‌شده‌ای برای بچه‌های ایران زمین است. او نخستین عمو ی تلویزیونی است که از برنامه بازی شادی تماشا به عنوان عمو ی بچه‌های ایران زمین منصوب شد. او در طول این سال‌ها برنامه‌های بسیاری از جمله مسابقات، نمایش، جنگ‌های مختلف و... حضور داشته است. با او درباره مراحل شکل‌گیری عمو قناد به صحبت نشستیم.

به یاد دارید عمو قناد ظهور عمو ی بچه‌های ایران زمین شد؟

زنده‌یاد فریماه فرخی، تهیه‌کننده برنامه بازی، شادی، تماشا بود که دهه ۶۰ از شبکه دو پخش می‌شد. او با کارشناسان آموزش و پرورش و کارشناسان هنری مشورت کرد که چطور بتوانیم راه ارتباطی مناسبی با خردسالان پیدا کنیم تا هم برنامه برایش جذاب باشد و هم این‌که به حرف‌های مجری برنامه گوش بدهد و برای او جنبه آموزشی داشته باشد و ارتباط خوب برقرار کند. بعد از صحبت‌های انجام شده قرار شد من عمو قناد شوم. بعد از پخش برنامه، بچه‌ها ارتباط زیادی برقرار کردند.

شما خودتان در آن مقطع زمانی چند سال‌تان بود و آیا تجربه پدر بودن را داشتید؟ من ۳۰ سال داشتم و پدر بودم. در آن مقطع یک دختر داشتم و بعد از آن صاحب دو قلو شدم. سنم کاملاً برای عمو بودن مناسب بود.

ارتباط بچه‌ها با عمو قناد چطور بود و هدف تان از ایجاد عمو ی تلویزیون چه بود؟

در آن مقطع زمانی خبری از فضای مجازی نبود و از طریق نامه و تلفن متوجه بازخورد بچه‌ها می‌شدیم. بچه‌ها خیلی اخت شده بودند و برایشان جالب بود. البته عمو قناد شدن خیلی راحت نبود و این‌طور نبود که ما صرفاً حرف‌هایی

محمد مسلمی، یکی از عموهای فیتيله‌ای

نمایش را جایگزین خاله‌ها و عموها کنیم

محمد مسلمی، یکی از عموهای فیتيله‌ای است که سال‌ها برنامه‌های متنوع و جذابی را برای بچه‌ها تهیه و پخش کرده است. او همراه علی فروتن و حمید گلی، دیگر

عموهای فیتيله‌ای تلاش کرده در قالب بازی و نمایش، مفاهیم تربیتی را به کودکان و نوجوانان آموزش بدهد. صحبت‌های او را در اینجا می‌خوانید.

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ عموها و خاله‌های تلویزیون زیاد شدند. دلیل این اتفاق چه بود؟

در حال حاضر این اتفاق خیلی کم‌رنگ شده است. در دوره‌ای شرایط ایجاد می‌کرد. برنامه‌های کودک، برآوردهای خوبی داشتند و همین به شکل‌گیری چنین اتفاقی منجر شد. در آن دوره شاید نیاز این‌طور بود که عموها و خاله باشند. ولی در حال حاضر، مستقیم گویی به بچه‌ها نه تنها جواب نمی‌دهد، بلکه برای آنها سم است و بچه‌ها علاقه‌ای به شنیدن نصیحت‌ها ندارند.

پاشوپاشو کوچولو که از شبکه کودک پخش می‌شود به نام خانم بهار هستید؟ خوشبختانه ما در شبکه کودک دیگر از واژه‌های خاله و عمو استفاده نمی‌کنیم. حتی در برنامه‌ای که شما به آن اشاره کردید من خانم بهار هستم و نه خاله بهار. به نظر من اتفاق مثبتی است که دیگر در شبکه کودک، خاله و عمو نداریم. بهتر است این اتفاق در شبکه‌های دیگر رخ بدهد.

شما تهیه برنامه مدرسه تلویزیونی را هم دارید که در آن برنامه هم در بخش عروسک و مجری خبری از خاله و عمو نیست.

بله. در برنامه مدرسه تلویزیونی هم چند تا مجری داریم که به نام فامیلی مجری شناخته می‌شوند. وقتی برنامه‌ای تهیه می‌کنیم که به بحث آموزش توجه می‌کنیم، باید مراقب نکات جزئی هم باشیم و از مسائل تربیتی هم غافل نشویم. به همین دلیل طبق صحبت‌هایی که با کارشناسان داشتم، تصمیم گرفتم در برنامه مدرسه تلویزیونی هم از نام خاله و عمو استفاده نکنم. در حال حاضر برنامه‌ای هم با نام مدرسه مهارتی ویژه نوجوان تهیه می‌کنم که در این برنامه به نوجوانان آموزش می‌دهیم چطور به مهارت‌ها دست پیدا کنند و در منازل کارهای مهارتی را یاد بگیرند، چرا که جوانان فردای جامعه خواهند بود و باید از الان به این موضوع توجه شود.

جایگزین عموها و خاله‌ها باید چه کسانی باشند؟ به نظر من بهتر است روی نیروی جوان کشورمان سرمایه‌گذاری کنیم. گاهی این مساله مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که جوانان فردای جوان را وارد میدان کنیم و برنامه‌ها را به آنها بسپاریم و مسلماً می‌توانند مجریان با نشاطی برای کودکان باشند. درواقع باید جوانان را آموزش درست بدهیم تا با ذهنی آگاه برای بچه‌ها اجرا کنند. در این زمینه ما با کمبود مجری خوب جوان روبه‌رو هستیم.

بداهه به بچه‌ها بزنیم. کاملاً کارشناسی شده صحبت و رفتار می‌کردیم. به هر حال اهمیت داشت ادبیات مان با بچه‌ها چگونه باشد. به عنوان مثال، عمو توهین نمی‌کند. ممکن است دلخور شود اما عصبانی نه. در مجموع سعی کردیم به این واسطه هم، معتمد بچه‌ها باشیم و هم این‌که به حرف‌هایمان گوش کنند. همه برنامه‌های کودک باید کارشناسی شده باشد، چون بچه‌ها به سرعت الگوبرداری می‌کنند.

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شاهد ازدیاد عموها و خاله‌های تلویزیون شدیم. با این اتفاق موافق بودید یا نه؟

حرف من یک جمله است و این‌که ما باید مراقب بچه‌هایمان باشیم و کارشناسی‌شده برایشان برنامه‌سازی کنیم. با آنها حرف بزنیم و رفتار کنیم. بنابراین وظیفه ما به عنوان هنرمند که برای بچه‌ها کاری را انجام می‌دهیم، سخت است. وقتی برای نوجوانان برنامه می‌سازیم، دیگر نباید از واژه عمو استفاده و باید او را دوست من خطاب کنیم. در ضمن فضای مجازی این روزها خیلی در دسترس نوجوانان است و باید خانواده‌ها و ما به عنوان برنامه‌سازان همراه نوجوانان باشیم. منظور من نیست که آنها را منع کنیم، بلکه باید با رفتار صحیح به آنها مسیر درست را آموزش بدهیم. از سوی دیگر، برنامه‌ها صرفاً نباید سرگرم‌کننده باشند و باید آموزشی، مفید و کاربردی باشد. زیرا بچه‌ها جوانان آینده هستند و از الان باید بدانند رفتار درست چیست. با وظایف‌شان آشنا شوند و همه این موارد با کمک نویسندگان، مسوولان تلویزیون، کارشناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و برنامه‌سازان مقدور است. باید بدانیم در کجاها موفق بودیم و در چه بخش‌هایی کاستی‌هایی داریم.

پس دوره‌شان تمام شده است؟

به نظر هر کاری به تحقیقات کارشناسی‌شده نیاز دارد، اما می‌دانم سلیقه بچه‌ها تغییر کرده و ما باید با زمان جلو برویم و برنامه‌هایی تهیه کنیم که بچه‌ها هم سرگرم شوند و هم برایشان جنبه آموزش داشته باشد. به نظر من در حال حاضر فضای نمایش جواب می‌دهد و می‌توان در قالب نمایش، مفاهیم را به بچه‌ها آموزش داد. برنامه‌ها باید مختص کودکان تولید شود و نیاز است برآورد خوبی هم شود، حتی آهنگسازی برنامه باید مختص به کودکان باشد. بنابراین قبل از تولید هر برنامه، نیازمند اتاق فکر است تا همه موارد برنامه کارشناسی شود. در حال حاضر در برنامه‌های کودک، قهرمان نداریم.

یعنی بودن قهرمان برای برنامه‌های کودک اهمیت دارد؟

بله، ما با توجه به ادبیات غنی کشورمان قهرمان نداریم. نباید ما عقب‌تر از بچه‌ها در برنامه‌های کودک باشیم. نگاه‌مان به ساخت چنین برنامه‌هایی باید کاملاً حرفه‌ای باشد. اگر نگاهی به عقبه‌کارهای کودک داشته باشیم، دوستانی همچون اکبر عبدی، علیرضا خسمس، مرضیه برومند و... حضور داشتند. ضمن این‌که در برنامه‌های کودک نباید در پرداختن به موضوعی زیاده‌روی کرد یا تقلید کورانه انجام داد. مثلاً یک‌دفعه همه برنامه‌های کودک به یک اتفاق گرایش پیدا کنند. حتی در زندگی عادی اگر بیش از اندازه شیرینی بخوریم، دلمان را می‌زند و دیگر آن شیرینی برایمان جذابیت ندارد. باید حرفی برای گفتن در برنامه‌ها داشتیم. با توجه به تعدد برنامه‌های متنوع در شبکه‌های ماهواره‌ای، ما باید این موضوع را به جد پیگیری کنیم تا فرهنگ مان میان بچه‌ها فراموش نشود. به‌ویژه این‌که در قالب برنامه‌های کودک و کارهای نمایشی می‌توانیم فرهنگ غنی کشورمان را نشان بدهیم. از الان باید روی کودکان مان سرمایه‌گذاری کنیم که آیندگان کشورمان هستند.